

بسم الله الرحمن الرحيم

بی‌حجابی و بدحجابی و چالش‌های آن

پاسخ‌های مکتوب دکتر سیدحسین شرف‌الدین، به سوالات سرکار خانم مهدیان

از پژوهشگران موسسه شناخت، قم، ۱۴۰۲/۲/۳۰.

❖ تبیین وضعیت موجود

(۱) مسأله اصلی حاکمیت در پدیده کشف حجاب چیست؟

حاکمیت سیاسی، احتمالاً در پدیده کشف حجاب یا به طور کلی، مسأله بدپوششی برخی خانم‌ها، ناخواسته با موضوعاتی از این دست مواجه شده است: غیرمنتظره بودن چنین واکنشی از سوی برخی خانم‌ها به قضیه مرگ مهسا و تبعات فرهنگی اجتماعی آن، پیوند خوردن یک موضوع فرهنگی حقوقی با سیاست، تبدیل بی‌حجابی و بدحجابی به نمادی برای ابراز مخالفت با ارزش‌های مورد حمایت نظام از جمله حجاب به عنوان یک ارزش عرفی شرعی، تردید میان مواجهه عملی (انتظامی، آتش به اختیار) و توسل به خشونت فیزیکی و نمادین یا مواجهه ساختاری و فرهنگی دیربازده، فقدان وحدت نظری و مفهومی میان کارگزاران نظام و اندیشوران همسو، فقدان برنامه و راهکار عملی مشخص برای مواجهه معقول با این مسأله در شرایط کنونی، پیش‌بینی ناپذیری بروز این سنخ واکنش‌ها در موقعیت‌های مختلف، ناهماهنگی عملی میان نهادهای حاکمیتی با یکدیگر و و این نهادها با سازمانهای مردمی، شتابزدگی و توقع حل قطعی معضل به صورت سریع و عاجل، بزرگ‌نمایی و هیاهوی برخی تریبون‌داران و فریاد و اسلاما سردادن، اعمال فشار روانی سخت بر مسئولان نظام از ناحیه برخی روحانیون و اқشار مذهبی برای انجام اقدامات مقتضی، احساس ناکارآمدی سیاست‌های فرهنگی اعمال شده در سالهای بعد از انقلاب، ضعف عملکرد نهادهای جامعه‌پذیرکننده، ضعف عملکرد رسانه‌های خودی بویژه رسانه ملی و در مواردی اجرای سیاست‌هایی همسو با رسانه‌های دشمن، صعوبت رویارویی با برخی شخصیت‌های سلبریت و روشنفکران حامی این مسأله، نگرانی از بروز برخی تقابلات و صف‌آراییها میان اқشار مختلف مردم، ضعف توان نظام در انصراف توجه عموم بویژه اқشار مذهبی و کاهش حساسیت‌ها، دامن زدن قاطع رسانه‌ها و ضد انقلاب بیرونی به این موضوع و... در هر حال، حجاب

اگر الزام قانونی و حکومتی هم نداشته باشد (مناقشه در قانونی شدن آن) الزام شرعی و عرفی و بلکه عقلی و فطری دارد. کسانی که میل به مخالفت دارند، کاری به مرجعیت هنجاری این الزام ندارند.

۲) حجاب تبدیل به نماد شده هم برای حکومت هم مخالفان. آیا با اصرار بر حفظ این نماد با از دست رفتن مشروعیت جمهوری اسلامی مواجه می‌شویم؟ بله حجاب یک نماد فرهنگی و متضمن پیامهای ارزشی و هویتی و دارای اصالت و اعتبار تاریخی، عرفی، شرعی و قانونی است اما بی‌حجابی، اگر نماد هم باشد، نماد رویگردانی از یک هنجار نهادینه و تثبیت شده و مخالفت با بخشی از سیاست‌های فرهنگی حاکمیت در حمایت از این هنجار است. اما اینکه می‌فرمایید اصرار بر حفظ این نماد موجب از دست رفتن مشروعیت جمهوری اسلامی می‌شود، باید عرض کنم که خیر اینگونه نیست.

زیرا اولاً مشروعیت جمهوری اسلامی به صیانت و تلاش در اجرای حداکثری ارزشهای ملی و مذهبی پذیرفته شده در گستره جامعه است. اساساً حاکمیت چگونه می‌تواند مدعی اقامه دین و اجرای صد درصدی احکام اسلامی باشد اما در مساله ای که موافق با فتوای مشهور فقهای شیعه و بالاتر از آن موضع صریح امام و رهبری نظام و قاطبه امت حزب الله است، کوتاه بیاید و بالاتر از آن، در مقابل نقض صریحش توسط عده ای، موضع نگیرد!! ثانیاً، هنجارهای مورد انتظار از عموم کنش‌گران اجتماعی همواره با درجاتی از نقض و تخلف مواجه اند و این خاص جامعه ما یا مساله حجاب هم نیست، اگرچه در این مساله، وجدان جمعی، آزرده‌گی بیشتری احساس می‌کند؛ ثالثاً از نظام انتظار می‌رود که در مواجهه با این مساله غیر منتظره، همه تدابیر لازم را تمهید کرده و از بروز آشکار و لنگاری در این بخش که احتمالاً به سایر بخش‌ها هم کشیده می‌شود، جلوگیری کند؛ رابعاً، کوتاه آمدن نظام نوعی امتیاز دهی به این جریان ضد فرهنگی است و در صورت تحقق، زمینه برای زیاده‌خواهی این جریان‌ها فراهم می‌شود؛ خامساً، حوزه و روحانیت و اقشار مذهبی نیز چنین نرمشی را از سوی حاکمیت حتی به صورت تاکتیکی روا نمی‌دارند و حاکمیت نیز دست کم برای کاهش فشارها و پاسخ دهی به مطالبات توده ای، چنین نرمشی را ریسک می‌داند. البته برخی مسئولان فرهنگی و سیاسی امیدوارند که این موضوع نیز مشمول گذر زمان شده و به مرور از حساسیت‌های دینی و فرهنگی مردم کاسته شود و جامعه در این بخش نیز به نوعی تکثرگرایی در الگوی پوشش سوق یابد. نکته دیگر اینکه، برخی از اقشار سنتی مذهبی بدون توجه به محدودیت‌های ساختاری حاکمیت، آن را فعال مایشاء می‌پندارند و گویا هر سیاستی به صرف خواستن اجرایی و عملیاتی خواهد شد.

۳) نقش ادراکات شناختی پوشش در وضعیت موجود چیست؟ اساساً صدور هر کنشی از انسان منوط به آگاهی، اراده، قصد و اقتضائات زمانی و مکانی مشخص است. به بیان دیگر، هیچ کنشی بدون دلیل و مبادی انگیزشی لازم اعم از بینشی، ارزشی، نگرشی و احساسی اتفاق نمی افتد. عوامل محیطی نیز به عنوان علل کنش هم در شکل گیری این زمینه های انگیزشی در فرد و هم در شکل گیری و جهت یابی کنش عینی قویا موثرند. قطعا بی حجابی یا بدپوششی به عنوان یک رفتار انتخابی (هرچند به عنوان یک اعتراض سیاسی، عصیان مدنی، یک سبک زندگی ترجیحی یا نوعی مقاومت در مقابل گفتمان فرهنگی غالب) مبادی شناختی خاص خود را دارد، چه اینکه التزام به حجاب نیز اینگونه است. قطعا برخی از این افراد - نه همه - به دلیل وجود برخی گره های ذهنی، ابهامات، شبهات و نقصانهای معرفتی و تربیتی و بالاتر از همه عدم آگاهی از توطئه های فرهنگی دشمن، به این رفتار دست می زنند و به تبعات اجتماعی رفتار خود و هزینه هایی که بر خود و جامعه تحمیل می کنند، توجه ندارند. برای برون رفت از این وضعیت نیز اقناع فرهنگی و اصلاح نگرشها می تواند موثر باشد.

❖ **علل و عوامل**

۴) شرایط نهادی و ساختاری (در جهان واقعی و در جهان رسانه) چه تأثیری در به وجود آمدن وضعیت کشف حجاب دارند؟

قطعا وجود برخی ضعف های نهادی و ساختاری در بروز این امر و تشدید آن و یحتمل استمرار آن در آینده موثر بوده و هستند. اموری مثل ضعف نظام از تدوین و اجرای سیاست های فرهنگی متناسب با اقتضائات زمانه، شرایط متغیر کشور و اقشار مختلف هدف؛ اتخاذ سیاست های مشوش و ناموجه، ضعف نظام و جامعه در جامعه پذیری متناسب نسل جدید توسط نهادهای رسمی و غیر رسمی، ضعف فرایندهای نظارتی و کنترلی بفرایندهای تولید و عرضه عناصر معنایی و محصولات فرهنگی، ضعف عملکرد رسانه ملی در فضا سازی فرهنگی، رهاسازی نسل جدید در مقابل تعرضات فرهنگی دشمن، بروز پدیده شکاف نسلی و کاهش مرجعیت فرهنگی اسلاف برای اخلاف، کاهش موقعیت و مرجعیت الگویی گروه های مرجع پیشین و چهره های ارزشی، اجرای سیاست های فرهنگی ناموفق همچون گشت ارشاد، سرپیچی غیر قابل توجیه نهادها و سازمانهای مسئول در مساله حجاب (۲۶ دستگاہ) از عمل به وظایف محوله در ارتباط با حجاب و عفاف، پیوند خوردن موضوعات فرهنگی با اوضاع و

شرایط متغیر سیاسی، عدم اقدام مقتضی در راستای محدودسازی یا بهینه سازی استفاده از فضای مجازی، تعلق در فعالسازی شبکه ملی اطلاعات و...

یک سری عوامل محیطی در گستره جهانی نیز در این خصوص قویا موثرند مثل فرایند جهانی شدن و تاثیرات فرهنگی یکسویه کشورهای دارای موقعیت برتر بر سایر جوامع، ارتباطات میان فرهنگی گسترده کشور با جهان و ورود آسان عناصر فرهنگی بیگانه بویژه از طریق رسانه های جهانگستر همچون ماهواره ها و فضای مجازی، عملکرد برخی شخصیت های سلبریت در فضای واقعی و مجازی (مثل کانال ها، وب سایت ها، وب لاگ ها، پادکست ها، شبکه های اجتماعی، سینما، نمایش خانگی، سیمای ملی، اقلام فرهنگی عرضه شده در بازار نشرو...) و تاثیرات آشکار و پنهان آنها بر مقوله حجاب و عفاف، رشد فردگرایی و آزادی افراد در داشتن سبک های زندگی متفاوت، محوریت یابی بدن در سبک زندگی مدرن، ابژه شدن بدن برای امور مختلف از جمله مسائل سیاسی، کالایی و مصرفی شدن موضوع زیبایی و افزایش انگیزه برای عرضه آن، تلاش گسترده برخی سازمانها برای بازنمایی جاذبه های زیباشناختی زن با اغراض مختلف (در فضاهای کالبدی شهری، رسانه های جمعی و اجتماعی، نمایشگاهها، گالریها، فروشگاهها، پاساژها، آرایشگاهها، باشگاهها، کلینیک های زیبایی و...)، میل افراطی زن مدرن به مدگرایی، احساس گمنامی در کلان شهرها و عدم توجه به پیامدهای انحرافی رفتار و...

همچنین در این خصوص برخی علل و زمینه های فردی نیز موثرند مثل ضعف باورهای مذهبی و تربیت دینی، کم تعلقی به فرهنگ خودی، ضعف آموزش، میل تشدید شده به خودآرایی و ظاهرگرایی، میل به نمایش متظاهرانه، میل به نمایش جذابیت ها با هدف دیده شدن و جلب توجه دیگران، میل به تعاملات اروتیک، توسل به بی حجابی به عنوان راهی برای یافتن شریک زندگی، خودشی انگاری و غفلت از ابعاد معنوی و ارزشی خود، تنوع طلبی، میل به بی قیدی و اباحی گری، همانندسازی خود با الگوهای مورد علاقه، تلقی محدودکننده از حجاب، شخصی تلقی کردن حجاب، دینی تلقی کردن حجاب، تاریخی تلقی کردن حجاب (امری تاریخ مصرف گذشته)، تلقی برساختی از جنسیت زنانه و مردانه (امری برآمده از اقتضائات حیات جمعی و فاقد خاستگاه وجود شناختی)، احساس بی عدالتی جنسیتی در پوشش، وجود برخی اختلالات شخصیتی، احیانا شکست در زندگی مشترک، تلاش برای کسب تایید اجتماعی (پاداش یابی)، عدم توجه به کارکردهای مثبت حجاب (امنیت و آرامش، کنترل نگاهها، کاهش التهابات و تعرضات جنسی، افزایش راندمان فعالیت و...)، عدم توجه به

کارکردهای منفی و مخرب بی حجاب(در مقیاس فردی و اجتماعی)، واکنش به برخی افراط‌کاریه‌های جریانات خودسر(خشونت فیزیکی و نمادین، اسید پاشی، ماست ریزی، اخراج از محل کار، ممنوعیت از ورود به اماکن خاص، ضعف انتقاد پذیری، بالارفتن سن ازدواج، عدم احساس مسئولیت مردان وابسته (کاهش غیرت و تعصبات مردان)، بی توجهی به قانون مصوب موجود و انتظارات اکثریت، همسویی آگاهانه یا ناآگاهانه با جریانات خارج نشین و تلاش آنها برای بهره برداری سیاسی از حجاب و...

۵) آیا برای اجرایی شدن قانون حجاب، شرایط خاصی وجود دارد؟ بلکه قطعاً اجرای موفق هر قانونی حتی قانونی همچون حجاب که از پیشینه تاریخی کهن، و مویدات عرفی، شرعی، عقلی و عقلایی فراوان برخوردار است، نیازمند تمهیداتی متناسب با اقتضائات زمان و مکان است. اساساً هر نسلی در مقام ترغیب به پذیرش و التزام عملی رعایت قوانین دارای خاستگاه سنتی، نیازمند جامعه پذیری متناسب است. در مواردی نیز الگوی عملی و فرم و صورت خود آن رفتار نیز نیازمند بازبینی و اصلاح خواهد بود. گاه درجه کیفی هنجار مربوط به لحاظ شدت و ضعف نیازمند تغییر است. در هر حال، اقداماتی از این دست برای اجرایی شدن قانون حجاب ضروری به نظر می‌رسد: فضاسازی فرهنگی اجتماعی، تعمیق این باور که قانون حجاب مقتضای یک گزینش عقلانی است، آموزش دهی و اقناع سازی(جامعه پذیری)، تمهید قوانین مکمل، تقویت ضمانت اجراها(پاداش‌ها و تنبیهات)، تقویت مکانیسم‌های نظارتی و کنترلی (اعم از رسمی و غیر رسمی)، نمایش خانم‌های محجبه‌ای که در سنگرهای مختلف سازندگی به ارائه خدمت مشغول اند(تا معلوم شود که حجاب مانع پیشرفت و تحرک اجتماعی زن نیست)، برخورد قاطع با عوامل اخلاک‌گر، بالابردن هزینه‌های تخلف عمدی، توجه به ملزومات اجرایی و عوامل پیرامونی (عناصری که ایجاب یا سلباً در اجرایی شدن این قانون موثرند). البته کسانی که جواز دخالت حاکمیت در این موضوع و توسل به الزامات حکومتی در کنار الزامات هنجاری(شرعی و عرفی) را مورد مناقشه قرار می‌دهند و این دخالت را فاقد مجوز عقلی، شرعی و ضرورت‌های کارکردی می‌شمارند، قاعدتاً برخی از سیاست‌های پیشنهادی فوق که ابزار کار حاکمیت در مقام اجرای قوانین است، را ضروری نمی‌دانند.

❖ راهبردها و راهکارها

۶) چگونه نظام با روند رو به گسترش کشف حجاب مقابله کند؟ (راهبردها و راهکارها هم در سطح واقعیت و هم در سطح بازنمایی رسانه‌ای): فکر می‌کنم با توجه به فرهنگی بودن مقوله پوشش اتخاذ

سیاست هایی از این دست اجتناب ناپذیر باشد، اگرچه ممکن است در کارآمدی برخی از آنها مناقشاتی وجود داشته باشد. اقداماتی همچون ساماندهی و تقویت فعالیت های گسترده فرهنگی - ترویجی بویژه از طریق رسانه های جمعی و اجتماعی و نهادهای تعلیمی و تربیتی، آگاهی بخشی به جامعه در خصوص سیاست های مقابله با حجاب در جوامع مدرن و آثار و تبعات ویرانگر آن، آگاهی بخشی از توطئه های فرهنگی دشمن برای بسط ابتذال در جامعه و استفاده ابرازی از زنان، توجه دادن به آثار و نتایج مثبت التزام به حجاب (برای خود کنش گران و جامعه) و متقابلاً توجه دادن به کارکردهای منفی و مخرب بی حجابی و بدحجابی، پاسخ دهی متقن به سوالات و شبهات، تنوع بخشی به الگوی پوشش (در حد مجاز) و عدم الزام همگان به تبعیت از یک شیوه معین، کاهش حساسیت ها و کنترل خشونت ها فیزیکی و نمادین علیه زنان بدحجاب (که به لج بازی و مقاومت آنها منجرشود)، تمهید سازوکارهای قانونی برای برخورد با متجاهران، عطف توجه متوازن به همه آسیب ها و نابهنجارهای فرهنگی اجتماعی (عدم تاکید بر خصوص حجاب)، اجرای درست و ضابطه مند فریضه امر به معروف و نهی از منکر (با بهره گیری از نیروهای مردمی آموزش دیده و واقف به قواعد و معیارهای شرعی)، نظارت بر فرایندهای تولید و عرضه محصولات فرهنگی و اقلام وارداتی، تمهید و اعمال مجازات های مرحله ای برای متخلفان و...

۷) چگونه از نماد حجاب استفاده کنیم که به ضدش تبدیل نشود؟ تردیدی نیست که حجاب به عنوان یک الگوی عرفی و شرعی و در کشور ما قانونی برای پوشش، علاوه بر جنبه های پوششی، آرایشی و جنسیتی، جنبه نمادین هم دارد یعنی فرهنگ خاصی را اعم از ملی یا مذهبی نمایندگی می کند. اساساً هر رفتار اجتماعی به اعتبار معنای فرهنگی خاصی که به دلالت التزامی یا تضمینی در خود دارد و به مخاطب انتقال می دهد، وجه نمادین می یابد. حجاب زنان نیز وجه نمادین بسیار برجسته ای دارد و معرف هویت زن مسلمان است، علاوه اینکه حجاب به لحاظ اخلاقی، ترسیم کننده مرزهای دنیای شخصی افراد است. تعبیر شاعرانه ای همچون تشبیه حجاب به صدفی که گوهر وجودی زن را در خود حفظ می کند، علاوه بر جنبه پوششی و ایمنی بخشی به وجه نمادین آن در تلقی شارع از حجاب اشاره دارد.

متأسفانه از میان هنجارها عرفی، شرعی و قانونی ریشه دار و کهن در فرهنگ ایرانی اسلامی کمتر موردی می توان یافت که به اندازه حجاب، عرصه جولان مناقشات نظری و سلیقه ورزیهای عملی که

غالبا با فلسفه تشریح این هنجار متعالی، تعارض دارد، قرار گرفته باشد: کشف حجاب رضا شاهی، فرهنگ برهنگی غرب محور، تهاجمات فرهنگی گسترده برای شکستن مقاومت های روانی و فرهنگی، بهره گیری آشکار و پنهان از زیباییهای ظاهری زن در تصویر سازی های رسانه ای، نمایش های هنری، سوژه های تبلیغی، بهره گیریهای اروتیک، خرده گیریهای جریانات فمینیستی و شبه فمینیستی، مناقشات جریانات روشنفکری و تلاش گسترده برای زیرسوال بردن حجاب، وضع قوانین خاص برای اعمال فشار بر زنان محجبه، سلیقه ورزیهای هوس آلود برخی خانم ها و... همه و همه موجب شده تا عنصر حجاب برغم ارزش وجودی و عقلانیت نهفته در آن، از مدار اصلی خارج و آماج ملاحظات تجدید نظرطلبانه و ایدئولوژیک و گاه سیاسی قرار گیرد.

در هر حال، اقدامات زمینه ای از نوع فوق در کنار برخی افراط کاریها برای واداشتن افراد متخلف به رعایت حجاب، موجب شده تا حجاب از اعتبار اصلی و جنبه نمادین تهی شده یا بالاتر از آن به ضد خودش تبدیل شود.

۸) مقابله با کشف حجاب را به عنوان پروسه تعریف کنیم یا پروژه؟ پروسه و پروژه بودن اجرای یک سیاست و اقدام اجتماعی، مانع الجمع نیستند. در دل هر پروسه ای هم می توان پروژه های متعددی را تمهید و اجرا کرد. از طرفی، پروسه ها معمولا خودجوش و طبیعی به جریان نمی افتند؛ اقدامات زمینه ای متناسب در اصل جریان یابی پروسه ها و جهت یابی آنها قویا موثرند. در هر حال، با توجه به آسیبی تلقی کردن بلامنازع موضوع کشف حجاب یا به طور کلی، بدپوششی برخی خانم ها، حساسیت های فرهنگی و مذهبی موجود، اصرار دشمن بر دامن زدن به این موضوع، تبدیل شدن بی حجابی به یک حربه سیاسی و اعمال فشار بر حاکمیت و افکار عمومی، انتظار اکثریت جامعه بویژه اقشار مذهبی از حاکمیت دینی برای ساماندهی به این وضعیت و تنبیه متخلفان، قابلیت موضوع برای تکرار و بهره برداریهای سیاسی ایدئولوژیک در فرصت ها و شرایط مقتضی، نیاز ضروری به بازخوانی مکرر سیاست های فرهنگی و قواعد زیستی به اقتضای شرایط زمانی و تحولات اجتماعی؛ به این موضوع یعنی اتخاذ سیاست های مقابله با آسیب های فرهنگی از جمله بی حجابی باید به مثابه یک پروسه جامع الاطراف نگاه کرد نه یک پروژه موضعی و موقت.

۹) آیا حجاب را میشه قشر بندی کرد؟ فقط اقشار خاصی از نوع خاصی از پوشش استفاده کنند؟

حجاب به معنای نوع خاصی از پوشش دارای الگوی عرفی و شرعی شناخته شده برای همه افراد بالغ یا در سن تمیز، تجویز و تشریح شده و همگان ملزم به رعایت آنند. در فقه اسلامی تنها سه گروه کودکان (دختر بچه های فاقد سن تمیز)، سالخوردگان (زنان مسن و فاقد جاذبه های ظاهری) و در گذشته کنیزکان؛ مجاز به فرونهادن حجاب خود از الگوی مالوف و متعارف بودند. از این رو، همه افراد اعم از مسلمان و غیرمسلمان ساکن جامعه اسلامی، اعم از مردان و زنان (هرچند تاکید بر حساسیت در پوشش زنان بیشتر و جدی تر است)، در هر موقعیت شغلی و در هر جایگاه و منزلت اجتماعی، باید نسبت به پوشش مواضع خاصی از بدن خود در ملاء عام اهتمام کنند و از نمایش هر نوع رفتاری که منشا صدور پیام های غیر اخلاقی به مخاطب و جلب نگاههای ریب آلود می شود، اجتناب ورزند. لباس های محلی نیز در صورتی که استتار متناسب با معیارهای فقهی و سطح انتظار را ایجاد نکند، قاعدتا باید به لحاظ الگویی مورد تجدید نظر قرار گیرند، مگر اینکه در عرف این دسته زنان، هنجار غالب پوشش همین باشد و آثار غیر اخلاقی هم بر آن مترتب نباشد. یونیفورم های اداری و سازمانی نیز علاوه بر رعایت تناسب با اقتضائات نوع کار و محیط شغلی، به لحاظ هنجاری باید با معیارهای فقهی انطباق داشته باشند. البته در خصوص جهانگردان غیرمسلمانی که با اهداف خاص به جامعه اسلامی وارد می شوند، محدودیت های کمتری به لحاظ فقهی و اجتماعی لحاظ شده که کاملاً موجه است.

❖ آینده پژوهی

۱۰) سناریوهای احتمالی پیش روی مسئله کشف حجاب چیست و با توجه به قراین و شواهد احتمالی احتمال تحقق کدام وضعیت وجود دارد؟ بروز درجاتی از تقابل فرهنگی اعتقادی میان اقشار مذهبی با هنجارشکنان، بروز درجاتی از تقابل میان نسل جدید و قدیم از اقشار مومن و معتقد به اصل حجاب، احتمال افزایش طلاق (اعم از حقوقی و روانی) در میان خانواده هایی که میان زوجین در خصوص رعایت حجاب اختلاف نظر وجود دارد، احتمال برخوردهای رادیکال نهادهای حاکمیتی با این افراد و تحمیل گونه های از محرومیت بر هنجارشکنان (مثل محرومیت از خدمات اجتماعی و مدنی)، شکاف عملکردی میان بخش های اداری و صنفی در مواجهه با این افراد، لوث شدن هر چه بیشتر مساله حجاب در جامعه، احتمال سوء استفاده جریانات فرصت طلب برای ضربه زدن به حیثیت نظام از طریق

برخوردهای خشن و ایجاد مزاحمت برای این افراد، تسری موضوع حجاب به سایر عناصر اعتقادی و ارزشی

البته احتمال اینکه با تدبیر مدیران عالی کشور و ارباب فتوا، از حساسیت موضوع کاسته شده و جامعه با این وضعیت کنار آید و درجاتی از تساهل و تسامح را در این خصوص روا بدارد، وجود دارد چون کشور را نمی توان برای همیشه در حال التهاب نگه داشت؛ علاوه اینکه در جامعه ما به قدر کافی مسائل و مشکلات، مشغول کننده وجود دارد که ذهنیت افراد را از مسئله حجاب منحرف کند.

و البته با توجه به اکثریت زنان محجبه و باورمندان و هواداران حجاب عرفی، شرعی و قانونی، سابقه کهن تاریخی، رسوخ این هنجار در ناخودآگاه جمعی ایرانیان و فرهنگ عمومی، اصرار قاطع اکثریت متشرعان، حمایت جدی نهادهای حاکمیتی، کارکردهای مثبت روانی و اجتماعی حجاب برای خانم ها، حساسیت های بوجود آمده توسط دگرانديشان و اموری از این دست، بسیار بعید می دانم که در جامعه ایران کنونی، موضوع کشف حجاب، بسط و عمق زیادی پیدا کند، و رویای بانیان کشف حجاب محقق شود. وجود درجاتی از بدپوششی و ولنگاری در این خصوص، موضوع جدیدی نیست، همواره بوده و احتمالاً در آینده گسترش بیشتری هم پیدا کند. اساساً تمرد کامل یا نسبی از پذیرش و تمکین هنجارهای اجتماعی، نه خاص جامعه ماست و نه مختص حجاب است.

۱۱) چه تصویری از آینده نظام سیاسی در نسبت با کشف حجاب دارید؟ وجوه مختلفی در این خصوص محتمل است: انعطاف در مواجهه با کنجرویهای فرهنگی عموماً و از جمله حجاب، به رسمیت شناختن درجاتی از تعدد و تنوع در الگوها و سبک های پوشش خانمها، وضع و تصویب قوانین محدود کننده برای اعمال فشار قانونی بر متجاهران (به جای درگیریهای خیابانی)، اهتمام به فعالیت های فرهنگی و نرم به جای برخوردهای فیزیکی، کاهش حساسیت ها نسبت به موضوع عفت عمومی (به دلیل هجوم های سنگین فرهنگی و رسانه ای و ضعف تربیت مذهبی و اخلاقی نسل سائیری در حال افزایش)، اقناع افکار عمومی برای کاهش حساسیت و کنار آمدن با واقعیت، اقناع علما، روحانیون و اقشار مذهبی برای پذیرش تکثرگرایی الگویی، انصراف توجهات به دلیل درگیری ذهنی و روانی عموم به مشکلات متعدد موجود در جامعه، کاهش دخالت حاکمیت و نهادهای رسمی و ارجاع موضوع بدپوششی به گروههای سازمان یافته آمر و ناهی.